

اقدامات تأمینی و تربیتی در لبنان

نسرين محمودی _ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی و وکیل پایه یک دادگستری

مقدمه

با پیشرفت و توسعه علوم، پدیده مجازات نیز مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه آن، این بود که مجازات علی‌رغم شدت و حدت آن، در پیش گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین نارسا بوده و برای مجرم و جامعه سودمند نیست. آن چه که در مجازات مورد نظر قرار می‌گیرد تنبیه محکومین می‌باشد نه اصلاح آنها. برای جلوگیری از این امر و اصلاح و تربیت مجرمین تدابیری اتخاذ شد که این تدابیر اقدامات تأمینی و تربیتی نام گرفت. در واقع می‌توان گفت که اقدامات تأمینی مجموعه اقداماتی هم تراز با مجازات یا در واقع جایگزین آن می‌باشد. این اقدامات علی‌رغم این که آزادی های فردی را برای مدتی نامعین محدود و یا سلب می‌کند، به دور از هرگونه غرض‌ورزی و خودسری می‌باشد؛ زیرا متکی به قانون بوده و از طرف مراجع ذیصلاح تعیین و اعمال می‌شوند. این تدابیر گاه به عنوان مجازات اصلی و گاه به عنوان مجازات تکمیلی مطرح می‌شود و هدف آن پیش گیری از جرم است. در قانون مجازات لبنان این اقدامات تحت عنوان "التدابیر الاحترازية" وارد قانون شده و در فصل دوم قانون مجازات، از مواد (۷۰) الی (۱۱۱) را به خود اختصاص داده است. در این مقاله قبل از بیان انواع اقدامات تأمینی و تربیتی در کشور لبنان، به طور خلاصه طبیعت مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی را در قانون این کشور مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مجازات

در قانون لبنان نص صریحی از مجازات وجود ندارد و شاید علت آن مختلف بودن مجازات باشد ولی از مقارنه نصوص قانونی و نظم اجتماعی و نظرات فلاسفه، این تعریف استنباط می‌شود که مجازات، عکس‌العملی است که قانون برای دفاع از جامعه مقرر نموده و قاضی آن را در مورد شخص مسئول اجرا می‌نماید. از این تعریف، عناصر اساسی مجازات روشن می‌شود:

- ۱- به درستی که مجازات به معنی قصاص است و قصاص شامل انواع آزار و اذیت و محرومیت از قبیل اعدام، اعمال شاقه، حبس، زندان، غرامت، مصادره، نشر حکم و الصاق آن می‌شود. منظور از اعمال مجازات سعی در اصلاح مجرم و بازگرداندن او به زندگی اجتماعی است و این وسیله‌ای برای تطبیق و اجرای این هدف است.
- ۲- مجازات‌ها در قانون مقرر شده و مجازاتی نیست که در قانون مشخص نشده باشد، به این معنی که قانون‌گذار، ماهیت و طبیعت مجازات را مشخص نموده و غیر از موارد مقرر در قانون، اعمال مجازات جایز نیست.
- ۳- مجازات به حکم قصاص صادر می‌شود و این نمادی از عدالت قضایی است، زیرا قاضی با توجه به اسباب، ارکان و عناصر موجود، نوع مجازات، مدت و کیفیت آن را مشخص می‌کند.
- ۴- مجازات بر شخص مجرم واقع می‌شود، نه بر اشخاص دیگر از خویشان او و به قاعده «لانیابة في العقوبات» عملاً اشاره شده است.

- ۵- به درستی که مجازات نتیجه قانونی و حتمی عمل شخص مسؤول به سبب واقعه مادی است که از ارتکاب آن محدود شده، و این مجازات به حکم قانون مشخص شده است و مجازات در خصوص اعمال ارتكابی مجرم در گذشته است، نه به خاطر اعمال ارتكابی که ممکن است در آینده مرتکب شود.^(۱)
- حقوق دانان لبنانی بر این تعاریف، انتقاداتی وارد نموده‌اند از جمله:

۱- بعضی معتقدند که مجازات فقط بر شخص مجرم وارد می‌شود، در حالی که نتیجه مجازات به صورت غیر محسوس بر اشخاص دیگر از جمله خانواده، پدر و مادر و خواهر نیز وارد می‌شود، چرا که خانواده بی‌سرپرست شده و آن‌ها در معرض انواع مشکلات از جمله گرسنگی و فقر قرار می‌گیرند.

۲- بعضی از مجازات‌ها علی‌رغم این که در قانون میزان و مقدار آن مشخص شده است، تشدید می‌شود، حال این که در این مورد، تناسب بین جرم و مجازات مفهوم انسانی مراعات نشده است.

۳- در بعضی مجازات‌ها، از جمله جریمه نقدی، پرداخت این جریمه گاه از طرف محکوم علیه صورت می‌گیرد و گاه از طریق ضامن. همچنین بعد از وفات محکوم علیه، این جریمه به مورث او انتقال می‌یابد و این بر خلاف اصل شخصی بودن مجازات است.

۴- محصور کردن مجازات به ارتکاب فعل مجرمانه، بدون در نظر گرفتن حالت مجرمانه، در نظر گرفتن حالت خطرناک را زایل می‌کند. در صورتی که بروز این حالت خطرناک، مصدری برای ظهور تدابیر تأمینی در قانون است. علی‌رغم این اعتراضات، مجازات در این تعریف باقی مانده است.

آن چه از مفهوم مجازات گرفته می‌شود، این است که مجازات در حق جانی واجب است. از طرف دیگر مجازات یک هدف اجتماعی نیز دارد و آن ترساندن و انداز مردم و تهدید ایشان به عاقبت جرم می‌باشد.^(۲) مجازات از نظر حقوق دانان لبنانی دارای خصایصی است از جمله:

۱- اصل فردی بودن مجازات: و این بدان معنی است که مجازات در خصوص فعل مجرمانه شخص اجرا می‌شود و آن بستگی به اوضاع و احوال عقلی و اجتماعی و مجرم دارد، به این مفهوم که با توجه به قوانین جزایی خاص به نسبت اشخاصی که قانون معین نموده، مشخص می‌شود، به طوری که قاضی حق تطبیق اسباب مخففه یا اسباب مشدده را در مجازات دارد و او در تعیین حداقل و حداکثر مجازات مختار است. همچنین می‌تواند با توجه به شخصیت مجرم، حداقل یا حداکثری برای مجازات در نظر بگیرد.

۲- اصل تساوی در مجازات: معنی آن این است که جمیع مردم در مجازات و در مقابل قانون یکسان هستند. مگر در مواردی که قانون صراحتاً استثناء نموده است. البته این مساوی بودن مجازات‌ها با در نظر گرفتن طبقات مختلف، ایراد دارد، چرا که مجازات حبس که شدیدترین مجازات‌ها است، برای کسی که غذا و مسکن ندارد، مجازاتی عالی است و بر عکس مجازات جزای نقدی در خصوص اشخاص فقیر، مجازاتی شدید است. به این دلیل است که قانون گذار، قاضی را در تعیین حدود مجازات مختار در نظر گرفته است. تساوی در مجازات مستلزم تساوی در جرم نیز می‌باشد. پس در خصوص اشخاصی که مرتکب جرایم متعدد و یا مکرر شده اند، حکم به تشدید مجازات داده می‌شود.

۳- عدم رعایت شأن اجتماعی در مجازات

یکی از اهداف مجازات‌ها، حقیر کردن و شماتت بزه‌کار است، ولیکن این موارد نباید از حدود معینی در قانون تجاوز کند، چرا که میزان مجازات در قانون معین شده است. ولی در اقدامات تأمینی رعایت شأن بزه‌کار می‌شود. در این اقدامات، کرامت انسانی محکوم علیه از بین نمی‌رود و با این کار محکوم علیه می‌تواند، پس از آزادی، مجدداً در جامعه به زندگی ادامه دهد زیرا اکثر نظام‌های قانونی جزایی در عالم، حکم به لغو مجازات اعمال شاقه و یا اشتغال به کار ضمن مجازات زندان داده‌اند.^(۳) در قانون لبنان، مجازات‌ها به مجازات‌های اصلی و اضافی تقسیم شده است که در ذیل به شرح هر کدام می‌پردازیم:

۱- مجازات اصلی و اساسی: مجازات اصلی همان مجازات اساسی و مورد حکم است و غرض آن قصاص نمودن مجرم می‌باشد. در این مجازات‌ها، شخص به خاطر فعل مجرمانه و به حسب آن چه که حق اوست، مجازات می‌شود

و این مجازات برای او کافی است و قاضی ملزم است که این مجازات را صراحتاً در حکم خود بیاورد (مثل مجازات اعدام، آزادی، حبس، جریمه)

۲- مجازات فرعی یا تبعی: مجازاتی است که با مجازات اصلی در عفو یا حکم تطبیق دارد و احتیاجی به بیان آن توسط قاضی یا ذکر آن در حکم نیست.

۳- مجازات اضافی یا تکمیلی: مجازاتی است که به طبیعت جرم و ماهیت آن برمی‌گردد و واجب است که قاضی آن را صراحتاً در حکم خود قید نماید. مجازات اضافی بر دو نوع است: اول، نوعی است که واجب است و قاضی ملزم به ذکر آن در حکم بر طبق نص قانونی می‌باشد، مثل غرامت، مصادره.

دوم، موردی که قاضی در صدور آن یا عدم صدور آن مختار می‌باشد، مثل نشر قرار جنایی. بین مجازات فرعی و مجازات تکمیلی تشابهی وجود دارد، از این حیث که هر دو آن‌ها مجازات ثانویه هستند و اصلی نیستند. تفاوت آن‌ها این است که در مجازات تکمیلی احتیاج به اعلام آن در حکم است، در حالی که در مجازات‌های تبعی احتیاجی به اعلام در حکم دادگاه نیست.^(۴)

اقدامات تأمینی و تربیتی

اقدامات تأمینی مجموعه راه‌ها و وسایل در نظر گرفته شده در قانون، برای جلوگیری از تعدد و تکرار جرم است. این اقدامات جزئی از اجزای سیاست جنائی در مواجهه با حالت خطرناک جرم، اصلاح کردن مجرم و از بین بردن حالت انحرافی او در اجتماع و همچنین حمایت جامعه از حالت خطرناک وی می‌باشد. کاربرد این اقدامات زمانی است که قانون جزایی ناقص بوده و یا در مواردی که تاهی شده باشد یا جایی که اعمال مجازات جایز نبوده و یا مفید واقع نشود.^(۵)

به طور کلی می‌توان این تدابیر را مجموعه‌ای از روش‌های درمانی برای اصلاح مجرم دانست تا بعد از انقضای این مدت بتوانند رفتاری مطابق قانون داشته باشند، بنابراین اصلاح مجرمین از مهم‌ترین تدابیری است که در اقدامات تأمینی مدنظر قرار می‌گیرد. به طور کلی این تدابیر، مجرم را در حالتی قرار می‌دهد که به جامعه ضرر نرساند. این تدابیر به وسیله تبعید یا اخراج مجرمین بیگانه از کشور محقق می‌شود و مهم‌ترین هدف اقدامات تأمینی و تربیتی، اجرای عدالت و اخلاق در جامعه است.^(۶)

آن چه مسلم است که اقدامات تأمینی از نظر نوع و مدت نامعین هستند و مدت آن بستگی به حالت خطرناک مجرم دارد و تا زمانی که این حالت از بین نرفته، این اقدامات خاتمه نمی‌یابد، زیرا غرض از این کار، مبارزه با حالت خطرناک مجرم است و این حالت خطرناک را قاضی نمی‌شناسد و نمی‌تواند مدت آن را مشخص کند.

این نامعین بودن نسبی است. ممکن است در بعضی مواقع قانون‌گذار، حداقل و یا حداکثر این اقدامات را مشخص نماید و علت آن که حداقل آن را مشخص می‌کند، این است که از این حداقل، کمتر نشود و علت معین نمودن حداکثر، حمایت از آزادی فردی است، مگر این که این اقدامات طویل‌المدت یا مادام‌العمر باشد.^(۷)

در قانون لبنان در خصوص نامعین بودن مجازات، سه نظر وجود دارد. یک نظر می‌گوید که این اقدامات باید مادام‌العمر باشد، نظریه دوم این است که این مدت منطبق بر درمان فاعل بوده، به این ترتیب که به محض درمان شدن بیمار، این مدت منقضی می‌شود و نظریه سوم آن است که این تدابیر باید دارای مدت معین باشد و محکوم علیه باید بعد از آن مدت آزاد شود. در قانون لبنان، قاضی در تعیین مدت این تدابیر در حق محکوم علیه مختار است، بعضی اقدامات تأمینی ذاتاً مؤبد هستند، مانند منع از حمل سلاح در تمام مدت حیات، دیگر تدابیر، موقت می‌باشند لیکن شرط اساسی این است که مدت آن در حکم محدود و مشخص باشد.^(۸)

وجوه اشتراک مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی:

صدور کلیه احکام و اجرای مجازات‌ها و نیز اقدامات تأمینی تابع اصولی هستند که حافظ حقوق و آزادی‌های فردی و ضامن رعایت احترام به شأن انسانی می‌باشند. از مهم‌ترین این اصول می‌توان به سه اصل شخصی بودن، تساوی و قانونی بودن مجازات و اقدامات تأمینی اشاره کرد. نویسندگان لبنانی در کتب خود به اصل قانونی بودن بیش از همه اصول توجه نموده‌اند. مسلم است، این است که همان‌گونه که اصل قانونی بودن در مجازات رعایت می‌شود، این اصل در اقدامات تأمینی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

طبق این اصل، اقدامات تأمینی در صورتی انجام می‌شود که قاضی، شخص را به سبب ارتکاب جرم معین، مجرم تشخیص دهد. برای این امر شروطی در نظر گرفته شده و آن این است که این اقدامات در خصوص شخصی لحاظ می‌شود که مرتکب جرم معینی شده باشد، رعایت این شرط به سبب حمایت از حقوق و آزادی فردی می‌باشد. ارتباط این اقدامات با مجازات از نظر نظام اقدامات تأمینی به خاطر وجود حالت خطرناکی است که از جرم ناشی می‌شود. همچنین در ماده (۱) قانون مجازات لبنان، به مجازات و اقدام تأمینی، هر دو با هم اشاره شده است. این اقدامات همانند مجازات باید توسط قاضی تعیین شود. این تدابیر به حکم محکمه قضایی بوده و تعیین نوع و مدت و مستند قانونی آن به نظر قاضی واگذار شده است.

علاوه بر اصول یاد شده، در قانون کشور لبنان، نقاط مشترک دیگری نیز بین مجازات و اقدامات تأمینی وجود دارد که از انواع آن می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- ۱- از لحاظ مجازات: تدابیر تأمینی همانند مجازات در صورت ارتکاب جرم معینی، اجرا می‌شوند. به این معنی که در نظر گرفتن تدابیر بدون ارتکاب فعل مجرمانه یا قبل از آن و یا قبل از حصول نتیجه مجرمانه جایز نیست.
- ۲- از نظر حکم: تدابیر تأمینی همانند مجازات به استناد، احکام قضایی و بعد از ثبوت جرم و قضاوت واقع می‌شوند.
- ۳- از نظر قاضی: همان‌طور که در مجازات، قاضی با توجه به موضوع و اساس آن مبادرت به صدور حکم می‌کند، در مورد تدابیر تأمینی نیز به این صورت است و این امر اختصاص به جانشین او و یا قاضی تحقیق ندارد و کلیه تصمیمات متخذ از طرف قاضی، قانونی است.^(۹)

مبحث دوم: وجوه افتراق مجازات و اقدامات تأمینی

در قانون لبنان نیز وجوه اختلاف بین مجازات و اقدامات تأمینی در نظر گرفته شده است، این افتراق شامل اختلاف در طبیعت و دیگری اختلاف در قواعد است که در ذیل به شرح هر کدام می‌پردازیم:

۱- اختلاف در طبیعت: بین تدابیر تأمینی و مجازات از لحاظ موضوع و مفهوم، آثار و تفاوت‌هایی وجود دارد. الف) از لحاظ نتیجه: مجازات با در نظر گرفتن مفهوم اصلی آن، قصاص مجرم به سبب جرمی است که انجام داده است. در مجازات، آزار و اذیت مجرم مدنظر است، در صورتی که هدف از اقدامات تأمینی، اصلاح مجرم و حمایت و معالجه وی می‌باشد. در اقدامات تأمینی به شأن و کرامت انسانی توجه شده، بر خلاف مجازات که هدف آن تحقیر بزه‌کار است.

ب) از نظر مسؤولیت: مجازات بر پایه مسؤولیت جنایی و اراده بنا شده است ولی تدابیر تأمینی بر مبنای حالت خطرناک مجرم بدون در نظر گرفتن مسؤولیت قانونی او می‌باشد.

ج) از نظر شخصیت: مجازات بر فاعل اعمال می‌گردد، نه بر اشخاص دیگر، در صورتی که اقدامات تأمینی در بعضی موارد بر اشخاصی غیر از مرتکب جرم نیز اعمال می‌شود. مثلاً در خصوص بستن مؤسسه که این اقدام بر شرکای غیر مقصر نیز اعمال می‌شود.

د) از نظر لزوم: به این معنی است که قاضی ملزم به تعیین مجازات براساس وصف قانونی و مجازات تعیین شده در قانون می‌باشد و او ملزم به تعیین مجازات جرایم جنایی، جنحه و تکدیبری می‌باشد؛ اما اقدامات تأمینی براساس شخصیت فاعل است، بدین معنا که قاضی متناسب با شخصیت مجرم، این مجازات را تعیین می‌کند و قاضی در این خصوص مختار است.

ه) از نظر مدت: در مجازات، میزان زمانی را که محکوم علیه باید در زندان باشد، معین می‌شود و مجرم طی آن مدت در زندان می‌ماند ولی تدابیر تأمینی تا زمان محقق شدن نتیجه که اثبات درمان یا اصلاح مجرم است، زمان می‌برد.

و) از نظر تجدیدنظر: مجازات‌ها دارای حکم قطعی بوده و قابل تجدیدنظر نیستند، مگر در صورت اعاده دادرسی یا عفو ولی اقدامات تأمینی از محکمه‌ای که آن را صادر کرده، قابل تجدیدنظر هستند، حتی اگر آن حکم، محکم شده باشد. به سبب این که قاضی براساس حالت آن شخص می‌تواند تجدیدنظر نماید.

ز) از نظر زمان ارتکاب: مجرم به خاطر ارتکاب جرمی که در گذشته انجام داده، مجازات می‌شود، ولی هدف تدابیر تأمینی منع از ارتکاب جرم در آینده است.^(۱۰)

۲- اختلاف در قواعد:

قواعد قانونی، شکلی و اساسی در مجازات و اقدامات تأمینی متفاوت هستند که عبارتند از:

الف) عطف به ماسبق شدن قوانین: در مجازات نظر بر این است که قوانین جزایی به واسطه قوانین جدید عطف به ما سبق نمی‌شود؛ اما اقدامات تأمینی متأثر به این قاعده نبوده و به سبب قانونی که در گذشته آمده، عطف به ما سبق می‌شود.

ب) مرور زمان: مرور زمان شامل تدابیر تأمینی نمی‌شود، هرچند که به سبب مرور زمان، مجازات ساقط می‌شود.

ج) عفو: عفو عام و خاص مجازات را در بر می‌گیرد ولی اقدامات تأمینی را در بر نمی‌گیرد.^(۱۱)

شرایط قانونی و شکلی اجرای اقدامات تأمینی

از مهم‌ترین شرایط قانونی برای اعمال اقدامات تأمینی، وجود حالت خطرناک می‌باشد، چرا که این حالت، حالتی است که احتمال ارتکاب جرم در آینده را از ناحیه مرتکب بیشتر می‌کند. اشخاص مبتلا به این حالت، اشخاصی هستند که به سبب وضعیت فردی یا به سبب عادات یا طرق معیشتی، احتمال وقوع جرم در آن‌ها بیشتر است و بیشتر در معرض خطر ارتکاب جرم قرار دارند، برای مثال مجرمین به عادت یا اشخاصی که معتاد به شرب مسکر و یا مواد مخدر و قمار می‌باشند، بنابراین باید اهتمام کافی در جهت اصلاح و معالجه‌ی آن‌ها با توسل به وسایل مختلف صورت گیرد.^(۱۲)

پس از اثبات حالت خطرناک و با در نظر گرفتن میزان آن، قاضی، حکم به یکی از تدابیر متخذه در قانون را خواهد داد.

نگهداری مجانین در تیمارستان، تبعید، نگهداری در کارگاه‌های صنعتی و کشاورزی از جمله این تدابیر هستند که قاضی با توجه به سه عنصر سابقه ارتکاب جرم، حالت خطرناک و احتمال ارتکاب جرم در آینده، آن را مورد حکم قرار می‌دهد.^(۱۳)

طبق مواد قانونی کشور لبنان، اشخاصی که فاقد عقل هستند و مجانین، در تیمارستان یا درمانگاه نگهداری می‌شوند و این امر تا زمان بهبود کامل حال آن‌ها ادامه پیدا می‌کند. همچنین، در خصوص مصرف کنندگان مواد مخدر و مشروبات الکلی، قانون گذار، تدابیر درمانی را در نظر می‌گیرد و حکم به نگهداری آن‌ها در درمانگاه تا رفع حالت

اعتیاد می‌دهد و در صورتی که بعد از انقضای مدت، این اشخاص مجدداً مرتکب استعمال این مواد شوند، به موجب قراری از محکمه که نباید مدت آن از پنج سال تجاوز نماید، در این اماکن خاص نگهداری می‌شوند. همچنین قانون گذاران کشور لبنان با تدابیر خاص در خصوص اطفال بزه‌کار سعی در بازسازگار نمودن این اطفال و اصلاح و تربیت مجدد آن‌ها دارند.^(۱۴)

ماهیت قضایی اقدامات تأمینی

اقدامات تأمینی گاهی به موجب حکم مستقل و به عنوان مجازات نسبت به اشخاصی که مرتکب جرم شده‌اند، اعمال می‌گردد و گاهی هم به عنوان مجازات تکمیلی یا تبعی در کنار مجازات اصلی قرار می‌گیرند.

در قانون لبنان، اقدامات تأمینی گاه به عنوان مجازات اصلی لحاظ می‌شوند که اهم آن عبارتند از:

۱_ نگهداری در محله‌ای خاص که این امر در ماده (۷۴) از قانون مجازات لبنان مشخص شده و در خصوص مجانین است و این اقدامات تا زمان بهبود حال آن‌ها ادامه پیدا می‌کند.

۲_ در خصوص اطفال نیز، تدابیری به عنوان مجازات اصلی در نظر گرفته شده که هدف از این تدابیر اصلاحی، قرار دادن طفل در کانون با هدف اصلاح می‌باشد.

این تدابیر، در مواد (۱۱۸) الی (۱۲۸) قانون مجازات لبنان معین شده است.

۳_ از دیگر تدابیر اصلاحی می‌توان به اخراج بیگانگان از کشور اشاره نمود. اخراج بیگانگان از کشور که جزء تدابیر محدودکننده‌ی آزادی هستند، در بند ۵ ماده (۷۱) قانون لبنان معین شده‌اند، این تدابیر در خصوص بیگانگانی است که حالت خطرناک دارند و باید از خاک لبنان خارج شوند.^(۱۵)

اقدامات تأمینی گاه به‌عنوان مجازات تکمیلی یا متمیمی مورد حکم قرار می‌گیرند. از مجازات‌های تکمیلی می‌توان محرومیت از بعضی حقوق و مزایا را بیان کرد که این محرومیت‌ها شامل تجرید مدنی و محرومیت از حق ولایت می‌شود. این محرومیت در قانون لبنان در ماده (۷۲) قانون مجازات آمده است.^(۱۶)

از دیگر اقدامات تأمینی که به‌عنوان اقدامات تأمینی تکمیلی مورد حکم قرار می‌گیرد، می‌توان به مصادره اشاره نمود. برای مثال گاهی اوقات این مصادره در خصوص نتیجه جرم صورت می‌گیرد، مثل مصادره ی پول‌های ناشی از تجارت مواد مخدر. این مورد در ماده (۷۳) قانون مجازات لبنان اعمال شده است. کار در کارگاه‌های کشاورزی و منع اعتیاد به مواد مخدر نیز از جمله تدابیر تکمیلی است که در ماده (۸۰) قانون مجازات لبنان به آن اشاره شده است.^(۱۷)

انواع اقدامات تأمینی و تربیتی:

در قانون لبنان، اقدامات تأمینی و تربیتی به چهار دسته تقسیم می‌شود:

۱_ تدابیر تأمینی مانع آزادی.

۲_ تدابیر تأمینی محدودکننده ی آزادی.

۳_ تدابیر تأمینی محروم کننده.

۴_ تدابیر تأمینی عینی^(۱۸).

که در ذیل به شرح هر کدام می‌پردازیم:

۱_ تدابیر تأمینی مانع آزادی

تدابیر تأمینی مانع آزادی شامل سه مورد زیر است:

الف) نگهداری در مکان‌های تأمین: این اقدام در ماده (۷۴) قانون لبنان لحاظ شده و براساس این قانون، حکم به نگهداری اشخاص در درمانگاه یا تیمارستان تا حصول درمان کامل داده می‌شود. به موجب این قانون هرگاه مجانب مرتکب جنحه یا جنایتی شوند که مجازات آن‌ها حداقل بیست سال حبس باشد، قاضی حکم به نگهداری آن‌ها در این اماکن می‌دهد. در خصوص جرایم جنحه‌ای که مجازات حبس آن کمتر از بیست سال است، این اقدام در مورد آن‌ها اجرا نمی‌شود، مگر این که قاضی حالت خطرناک آن‌ها را احراز نماید. همچنین در خصوص اشخاصی که در مورد آن‌ها، حکم صادر شده و در اثنای اجرای حکم دچار جنون گردیده اند، تا بهبود کامل در این درمانگاه‌ها نگهداری می‌شوند. مدت نگهداری مجانب، نامعین است ولیکن قانون گذار برای حمایت از آزادی فردی این تدابیر را تا زمانی که حالت جنون باقی است اعلام نموده است، در این حالت واجب است که پزشک حالت محکوم‌علیه را هر شش ماه یکبار گزارش دهد و در صورت عدم بهبود او این مدت حداقل برای یک سال ادامه می‌یابد. این مدت نباید از زمان مجازات یا تدابیر تأمین بیشتر شود، مگر این که آزادی محکوم علیه برای سلامت جامعه خطرناک باشد. همچنین اشخاصی که مواد مخدر یا مشروبات الکلی استعمال می‌کنند، حکم به نگهداری آن‌ها در این اماکن تا زمانی که معالجه شوند، داده می‌شود.^(۱۹)

ب) تبعید: این اقدام در خصوص مجرمین به عادت به کار برده می‌شود و هدف از آن دفاع از این حالت خطرناک است. این تدبیر مختص کسانی است که مرتکب جرم شده و استعداد برای تکرار جنحه و جنایت را دارند. بر اساس ماده (۷۷) قانون مجازات لبنان قاضی حکم به نگهداری این اشخاص در کارگاه‌های کشاورزی می‌دهد. حداقل این مدت یکسال و حداکثر آن سه سال است.^(۲۰)

ج) نگهداری مجرمین بی کار و ولگرد در مؤسسات کاری: هدف از این اقدامات، آموزش کار و مواظبت از مجرمین بی کار و ولگرد است تا در یک حرفه آموزش ببینند و از جرم دور شوند. این تدابیر در ماده (۵۷) و (۵۸) قانون مجازات لبنان مقرر شده. مدت نگهداری این افراد در مؤسسات حداقل سه ماه و حداکثر یکسال است. قاضی این دو زمان را به این جهت محدود کرده که مجرم، حرفه‌ای آموخته و قادر به تأمین زندگی خود باشد.^(۲۱)

۲_ تدابیر تأمین محدود کننده آزادی

تدابیر تأمین محدود کننده آزادی شامل موارد زیر است:

الف) منع استعمال مواد مخدر: این تدبیر در ماده (۸۰) قانون مجازات لبنان لحاظ گردیده است. مطابق این قانون، قانون گذار حکم به نگهداری این اشخاص در مراکز معالجه معتادین تا زمان بهبودی می‌دهد و پس از بهبود، آن‌ها را از حضور در اماکنی که مواد مخدر می‌فروشند یا مصرف می‌کنند، محدود می‌نماید. هدف از این تدبیر دور نگه داشتن مجرم از اماکنی است که عوامل جرم را دارند و این‌ها اماکنی هستند که مواد مخدر را در اختیار مجرمین قرار می‌دهند. مدت این تدبیر حداقل یکسال و حداکثر سه سال می‌باشد. قانون این حالت را تا زمان اثبات ارتکاب جنایت به خاطر تأثیر مواد مخدر محدود نموده است، به عبارت دیگر به تأثیر مواد مخدر بر ارتکاب جرم بسنده نموده و آن را محدود به عامل جرم‌زا برای ارتکاب به جرم نموده است. به این ترتیب که قانون آن را سببی بین تأثیر مواد مخدر بر اراده و ایجاد جنایت یا جنحه بیان نموده است.^(۲۲)

ب) منع از اقامت: قانون گذار این تدبیر را در ماده (۸۱) قانون مجازات در نظر گرفته است. هدف از این تدابیر جلوگیری از تکرار جرم در مکان‌هایی است که محکوم‌علیه در آن اقامت دارد. این کار سه هدف دارد:

۱_ از مجرم انتقام گرفته می‌شود.

۲_ جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده.

۳_ دور نگه داشتن مجرم از مجنی‌علیه.

اماکن ممنوعه دو نوع هستند:

۱_ اماکنی که به موجب قانون، مجرم از اقامت در آن منع می‌شود بدون احتیاج به حکم قاضی که این اماکن نیز دو دسته می‌باشند:

الف) اماکنی که مجرم در آن مرتکب جرم شده است.

ب) اماکنی که مجنی علیه یا بستگان تا درجه چهارم وی در این اماکن ساکن باشند.

۲_ اماکنی که قاضی در حکم مشخص می‌نماید و مجرم حق رجوع به این اماکن را در ظرف مدت معین ندارد. البته این کار به خاطر جلوگیری از وقوع جرم می‌باشد.

در دو حالت به منع از اقامت حکم داده می‌شود:

۱_ حالتی که در آن حکم به مجازات جنایی سالب یا محدود کننده آزادی داده شده باشد و این تدبیر موازی با مجازات باشد که در این حالت مجرم از اقامت در آن مکان منع می‌شود. مدت این تدبیر از یکسال تا پانزده سال می‌باشد.

۲_ حالتی که حکم به مجازات اعدام یا اعمال شاقه دائمی یا حبس ابد داده شده و مجازات به سبب عفو یا ساقط شدن به سبب مرور زمان به مجازات موقت تبدیل شده است که در این صورت مدت منع از اقامت پانزده سال می‌باشد. طبق ماده (۸۳) قانون مجازات لبنان در صورتی که مجرم از این تدبیر مخالفت نموده و به منطقه ممنوعه باز گردد، در این صورت قاضی می‌تواند سه ماه تا یکسال حبس را برای او در نظر بگیرد و یا این که محل او را تغییر دهد.^(۲۳)

ج) تعلیق مجازات: این اقدام در ماده (۸۴) قانون لبنان و با عنوان "الحرية المراقبة" لحاظ شده است. غرض از این تدابیر، اصلاح محکوم علیه و بازگشت او به جامعه می‌باشد. این تدبیر زمانی اعمال می‌شود که بر قاضی این نکته احراز شود که مجرم از جرم دوری جسته و دیگر بار مرتکب جرم نخواهد شد علی‌رغم این که این اقدامات محدود کننده آزادی هستند ولی به جرأت می‌توان گفت که این اقدامات، سالب آزادی می‌باشد، زیرا این تدابیر شامل منع استعمال مواد مخدر و یا منع از اقامت می‌باشد. قانون گذار با در نظر گرفتن این تدبیر، مجرم را از بازگشت به مواد مخدر و یا از بازگشت وی به محله‌هایی که احتمال ارتکاب جرم در آن محل می‌شود، باز می‌دارد. در صورتی که محکوم علیه در ایام تعلیق به عادت‌های گذشته خود باز گردد، مجازات در مورد وی اعمال می‌شود. مجرم مقید است که احکامی را که قاضی در نظر گرفته، مراعات نموده و از آن چه که باعث انحراف وی می‌شود، جلوگیری نماید. مدت تعلیق مجازات از یکسال تا پنج سال می‌باشد.

اگر محکوم علیه در مدت تعلیق از حکم صادره مخالفت کند و از تعلیق سرپیچی و مرتکب جرم شود، طبق ماده (۸۶) قانون لبنان به حبس از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.^(۲۴)

د) اخراج بیگانگان از کشور: این تدبیر در خصوص بیگانگانی است که به واسطه ارتکاب اعمال جنایی دارای حالت خطرناک شده‌اند. این گونه افراد باید از لبنان خارج شده تا احتمال جرایم بزرگ توسط آن‌ها از بین برود. بر اساس ماده (۸۸) قانون لبنان این اخراج می‌تواند محدود و یا مؤبد باشد. در صورتی که مدت محدود مورد حکم قرار گیرد، این مدت حداقل سه سال و حداکثر پانزده سال می‌باشد.

در صورتی که مجرم از زمان صدور حکم با این حکم مخالفت نماید و یا این که قبل از انقضای مدت اخراج به سرزمین لبنان باز گردد، در این صورت بر اساس ماده (۸۹) قانون مجازات لبنان، قاضی او رابه حبس از یک الی شش ماه محکوم خواهد نمود.^(۲۵)

۳_ تدابیر تأمینیه محروم کننده

تدابیر تأمینی محروم کننده شامل این موارد است:

الف) اسقاط حق ولایت: این تدبیر در ماده (۹۰) از قانون مجازات لبنان لحاظ گردیده است. این تدبیر در خصوص پدر، مادر، وصی یا اشخاصی که سلطه ولایت یا وصایت بر فرزند یا یتیم و یا اموال میت دارند، می‌باشد و در سه حالت اتخاذ می‌گردد:

۱_ در صورتی که این اشخاص مرتکب محکومیت جزایی شوند.

۲_ در مواردی که از وظایف قیمومت یا ولایت سرپیچی نمایند.

۳_ در صورتی که این اشخاص، مباشرت یا مشارکت در ارتکاب جنحه یا جنایت علیه صغیر داشته باشند که در این حالات، قاضی بر اساس ماده (۹۰)، ولایت را از آنها ساقط می‌نماید. این اسقاط ممکن است کلی یا جزئی، عام یا محصور باشد. به این صورت که ممکن است نسبت به کل فرزندان و یتیمان و یا نسبت به بعضی از آنها باشد. همچنین قانونگذار با استفاده از این تدبیر به قاضی اجازه داده است که ولی یا وصی را به صورت کامل یا جزئی از این حق محروم دارد. با اتخاذ این تدبیر، دو هدف تأمین می‌گردد: اول این که ولی یا وصی مرتکب اعمال مجرمانه بر ضد فرزند یا یتیم نگردند و دیگر این که احتمال ارتکاب جرم در آینده از بین برود. مدت این محرومیت از سه سال تا پانزده سال می‌باشد.^(۲۶)

ب) خودداری/از اشتغال به کار یا حرفه معین: این تدبیر در ماده (۹۴) قانون مجازات لبنان در نظر گرفته شده است. این منع از اشتغال مشاغل مختلفی از جمله طبابت، وکالت، انتشار مطبوعات و... را شامل می‌شود. در این مورد مجرم باید مرتکب عمل جنحه یا جنایت شده باشد. مثل منع اشتغال به طبابت در خصوص طبیبی که سقط جنین بنماید و یا وکیلی که اموال موکل را برای خود بردارد. این تدبیر در اصل موقت می‌باشد و حداقل آن یک ماه و حد اکثر آن دو سال است. در صورتی که شخص برای دومین بار مرتکب این جرم شود، حکم به محکومیت او برای پنج سال داده می‌شود. در صورتی که شخص از دستور قاضی مبنی بر منع اشتغال مخالفت نماید و به کاری که از آن ممنوع شده است، اشتغال ورزد، در این صورت به سه ماه حبس و غرامت تا ۸۰ هزار لیره محکوم خواهد شد.^(۲۷)

ج) محرومیت از حمل سلاح: این تدبیر در مواد (۹۶) و (۹۷) قانون مجازات لبنان لحاظ گردیده و در خصوص کسانی است که سلاح حمل نموده و به واسطه داشتن سلاح مرتکب اعمال جنحه یا جنایت به عنف گردند. هدف از این تدبیر جلوگیری از حالت خطرناک مجرم از حمل سلاح می‌باشد. مدت محرومیت از حمل سلاح سه سال تا پانزده سال است. همچنین ممکن است با توجه به استمرار حالت خطرناک حکم به منع حمل سلاح در تمام مدت عمر را بدهد.^(۲۸)

۴_ تدابیر تأمینی عینی

تدابیر تأمینی عینی از این قرار است:

الف) مصادره عینی: این تدبیر در ماده (۹۸) قانون مجازات لبنان تحت عنوان مصادره اشیایی که برای صنعت خاصی هستند و یا اشیایی که خرید و فروش آن غیر مشروع می‌باشد. مقرر شده است در صورتی که مصادره واجب نباشد، قاضی می‌تواند قیمت آن را از محکوم علیه بگیرد. مصادره عینی در واقع یک مجازات اضافی است که احکام آن در ماده (۶۹) از قانون مجازات بیان شده است. به تعبیر دیگر مصادره گاه به عنوان مجازات و گاه به عنوان اقدام تأمینی مورد حکم قرار می‌گیرد. هدف از این اقدام، محروم کردن شخص از مالش نیست، بلکه هدف از آن جلوگیری از حالت خطرناک و حفظ امنیت اجتماعی است. موضوع مصادره عینی اشیایی مثل مواد منفجره، مواد مخدر، اسلحه ممنوعه، وسایل تولید اسکناس جعلی، اسناد مالی جعلی، اسکناس‌های جعلی و... می‌باشند. لازم به ذکر است که

مصادره به موجب حکم قضایی بوده و مورد عفو قرار نمی‌گیرد، مگر در موارد خاص مثل نگهداری مواد مخدر توسط داروساز.^(۲۹)

ب) *ضمانت احتیاطی*: این تدبیر در مواد (۹۹) الی (۱۰۲) قانون مجازات لبنان در نظر گرفته شده و آن عبارت از پرداخت مال توسط شخص محکوم علیه و یا شخص کفیل که در صورت حسن سلوک، این ضمانت منقضی می‌گردد. هدف از این تدبیر ایجاد حسن سلوک و تهدید به ضرر در صورت سوءرفتار است. این تدبیر در موارد ذیل اتخاذ می‌گردد:

۱_ در حالتی که مجرم، دیگری را تهدید کند.

۲_ در حالتی که مجرم، دیگران را تشویق به ارتکاب جرم نماید.

۳_ زمانی که خوف این باشد که محکوم علیه برای آزار مجنی علیه یا یکی از افراد خانواده وی باز گردد و یا قصد ضرر زدن به اموال وی را داشته باشد.

۴_ در حالت توقف اجرای حکم

۵_ در حالتی که حکم به توقف فعالیت مؤسسه با در نظر گرفتن جریمه و تعلیق داده می‌شود.

حداقل زمان برای ضمانت احتیاطی یک سال و حداکثر آن پنج سال است. قاضی در حکم خودش میزان مبلغی را که شخص و یا کفیل او باید بپردازد مشخص می‌نماید. میزان آن حداقل ۲۵ لیره و حد اکثر یک هزار لیره می‌باشد. پس از انقضای مدت، کفیل از کفالت مبری شده و تضمین باز گردانده می‌شود ولی در صورت تخلف، وجه الضمان اخذ می‌شود.^(۳۰)

ج) *بستن محل*: این تدبیر مواد (۱۰۳) الی (۱۰۷) قانون مجازات لبنان را به خود اختصاص داده است. بستن محل، یک تدبیر مالی است که به حکم قانون محکوم علیه از انجام عمل یا شغل خاصی منع می‌شود. مهم‌ترین شرط برای این اقدام، ارتکاب جرم و یا ارتکاب افعال محل آداب در این اماکن است. این تدبیر مشکلاتی را در خصوص اشخاص دیگر از جمله خانواده و مالک یا مستأجر محل نیز ایجاد می‌نماید. مدت زمان بستن محل بر اساس ماده (۱۰۳)، حداقل یک ماه و حداکثر دو سال است. مخالفت از مفاد این قانون مستلزم حبس از ده روز الی سه ماه و همچنین پرداخت جریمه از ۱۵۰ تا یک هزار می‌باشد. (مواد ۱۰۷ و ۹۵ قانون مجازات)^(۳۱)

د) *متوقف ساختن فعالیت مؤسسه یا انحلال شرکت*: این تدبیر زمانی در نظر گرفته می‌شود که اشخاصی شرکت حقوقی تأسیس نموده و در آن شرکت مرتکب جرم گردند و یا اموال دیگران را اخذ و متواری شوند. بر اساس ماده (۱۰۹) قانون مجازات لبنان در موارد ذیل فعالیت مؤسسه متوقف می‌گردد:

۱_ در صورتی که مؤسسه براساس قانون تأسیس نشده باشد.

۲_ در صورتی که این مؤسسه برای اعمال مخالف قانون تأسیس شده باشد.

۳_ در صورتی که حکم به توقیف فعالیت مؤسسه به مدت پنج سال داده شده و قبل از انقضای این مدت، مؤسسه مجدداً مبادرت به شروع کار نماید.

مدت زمان توقف مؤسسه حداقل یک ماه و حداکثر دو سال می‌باشد. مخالفت با این تدبیر مستلزم حبس از یک ماه الی شش ماه و پرداخت جریمه از چهار هزار تا هشت هزار لیره می‌باشد.^(۳۲)

در لبنان همچنین تدابیری در خصوص اطفال رعایت می‌شود که جزء تدابیر تأمینی لحاظ نشده است و این تدابیر در مواد (۱۱۸) الی (۱۲۸) قانون تحت عنوان تدابیر حمایتی منحرفین مقرر شده که در ذیل به شرح هر کدام می‌پردازیم.

۱- تدابیر حمایتی: این تدابیر، اقداماتی است که در خصوص اطفال مجرم تا زمانی که بالغ شوند، در نظر گرفته می‌شود و طفل را به ولی یا وصی و یا کسی که صلاحیت اخلاقی دارد و می‌تواند طفل را تربیت کند، می‌سپارند. اگر در بین این افراد، کسی وجود نداشته باشد، طفل را به مؤسسات اجتماعی می‌فرستند. هدف این اماکن، ارشاد و اصلاح این افراد است. این تدابیر در خصوص اطفال پانزده سال تا هجده سال لحاظ می‌گردد، مگر این که ثابت شود، طفل احتیاجی به نگهداری تا سن هجده سالگی در این مؤسسات را ندارد.

۲- مراقبت اجتماعی: هدف از تدابیر اجتماعی، رعایت سلوک و رفتار و اعمال اشخاص است و توجیه صحیح طفل برای رعایت شئونات صحیح اخلاقی و اجتماعی می‌باشد. این مراقبت‌ها نیز در خصوص اطفال پانزده تا هجده سال مورد توجه قرار می‌گیرد و مدت این تدابیر بین یک تا پنج سال است. (ماده ۱۲ قانون احداث) و محکمه موظف است که کلیه اقدامات را برای اصلاح طفل در نظر بگیرد. مهم‌ترین هدف در این تدابیر جلوگیری از انحراف طفل و یا معالجه ی اطفال منحرف می‌باشد.

۳- تدابیر اصلاحی: هدف از تدابیر اصلاحی، قراردادن طفل در کانون با هدف اصلاح برای مدت شش ماه است. در خصوص طفل، محکمه، طفل را به دارالتأدیب می‌فرستد و اگر در این مدت او فرار نماید، قانون گذار علاوه بر رعایت الباقی مجازات، به مجازات نگهداری وی در کانون، شش ماه تا یک سال اضافه می‌کند. هدف از نگهداری دارالتأدیب نیز، اصلاح کسانی است که در معرض انحراف قرار می‌گیرند. در این مؤسسات مجال تربیت طفل به او داده می‌شود و برای تربیت طفل و تهذیب نفس او از امور دینی، اخلاقی و تعلیم درسی کمک گرفته می‌شود.

۴- تدابیر تأمینی: هدف از این تدابیر، نگهداری طفل در دارالتأدیب برای مدت حداقل یک ماه و حداکثر تا سن ۲۱ سالگی می‌باشد. این تدابیر از تدابیر اصلاحی طولانی‌ترند و برای محکمه مهم این است که شخص بعد از آزادی رعایت مسائل اجتماعی را نموده و انحراف او درمان شده باشد. (ماده ۲۱ قانون احداث)^(۳۳).

ببررسی اقدامات تأمینی در کشور لبنان، این نکته احراز می‌شود که پیش‌گیری از جرم و بازپروری و خنثی‌سازی و نظارت بر مجرمین از مهم‌ترین اهداف این تدابیر است. تدابیر تأمینی، با فوت، ساقط می‌شود، چرا که محل اجرای مجازات از بین رفته و آن مرتبط با حالت مجرمانه شخص است.^(۳۴)

پی‌نوشت‌ها:

۱_ زغبی، فرید، الموسوعه الجزائیه، جلد ۱، نشر دار طادر، بیروت، ۱۹۹۵، ص ۳۴۵.

۲_ همان، ص ۳۴۷.

۳_ همان، ص ۳۵۱.

۴_ همان، ص ۳۵۷.

۵_ ر.ک به:

الف) محمد جعفر، علی، العقوبات و التدابیر تنفیذها، نشر المؤسسة الجامعة للدراسات و النشر والتوزیع، بی‌تا، ص ۵۹.

ب) زغبی، فرید، پیشین، ص ۳۶۳.

۶_ نجیب حسنی، محمود، شرح قانون العقوبات اللبناني، نشر دار النهضة العربية، بیروت، ۱۹۶۲، ص ۹۳۲.

۷_ همان، ص ۹۳۶.

۸_ زغبی، فرید، پیشین، ص ۳۷۷.

۹_ همان، ص ۳۸۱.

۱۰_ همان، صص ۳۸۱-۳۸۵.

- ١١_ همان، صص ٣٨٦-٣٩٤
- ١٢_ همان، ج ١، ص ٣٧٤.
- ١٣_ همان، ص ٣١٤.
- ١٤_ محمد جعفر، علي، پيشين، ص ٦٣.
- ١٥_ ر.ك به:
- الف) نجيب حسني، محمود، پيشين، ص ٩١٤.
- ب) محمد جعفر، علي، پيشين، ص ٦٣.
- ١٦_ نجيب حسني، محمود، پيشين، ص ٩١٥.
- ١٧_ عفيف شمس الدين، حسام، قانون العقوبات، مؤسسة المنشورات القانونية، بيروت، ١٩٩٣، ص ١٩.
- ١٨_ محمد زكي، ابو عامر، قانون العقوبات، الدار الجامعية، بيروت، ١٩٩٢، ص ٥٤١.
- ١٩_ ر.ك به:
- الف) نجيب حسني، محمود، پيشين، ص ٩٠١.
- ب) محمد جعفر، علي، پيشين، ص ٦٣.
- ٢٠_ نجيب حسني، محمود، پيشين، ص ٩٠٤.
- ٢١_ عفيف شمس الدين، حسام، پيشين، ص ١٤.
- ٢٢_ محمد جعفر، علي، پيشين، ص ٦٨.
- ٢٣_ ر.ك به:
- الف) نجيب حسني، محمود، پيشين، صص ٩٠٨-٩١٠.
- ب) محمد جعفر، علي، پيشين، ص ٦٩.
- ٢٤_ محمد جعفر، علي، پيشين، ص ٧٠.
- ٢٥_ ر.ك به:
- الف) نجيب حسني، محمود، پيشين، صص ٩١٤_٩١٥.
- ب) محمد جعفر، علي، پيشين، صص ٧١_٧٢.
- ج) عفيف شمس الدين، حسام، پيشين، ص ٢١.
- ٢٦_ ر.ك به:
- الف) نجيب حسني، محمود، پيشين، صص ٩١٥_٩١٦.
- ب) محمد جعفر، علي، پيشين، صص ٧٤_٧٣.
- ج) عفيف شمس الدين، حسام، پيشين، ص ٢٢.
- ٢٧_ ر.ك به:
- الف) نجيب حسني، محمود، پيشين، صص ٩١٨_٩١٧.
- ب) محمد جعفر، علي، پيشين، صص ٧٥_٧٤.
- ٢٨_ ر.ك به:
- الف) محمد جعفر، علي، پيشين، ص ٧٥.
- ب) نجيب حسني، محمود، پيشين، ص ٩١٩.
- ٢٩_ ر.ك به:

- الف) محمد جعفر، علی، پیشین، ص ۷۶.
- ب) نجیب حسنی، محمود، پیشین، ص ۹۲۵_۹۲۰.
- ۳۰_ رک به:
- الف) نجیب حسنی، محمود، پیشین، ص ۹۲۷_۹۲۵.
- ب) محمد جعفر، علی، پیشین، ص ۷۷_۷۸.
- ۳۱_ رک به:
- الف) نجیب حسنی، محمود، پیشین، ص ۹۲۷.
- ب) محمد جعفر، علی، پیشین، ص ۷۸.
- ۳۲_ رک به:
- الف) محمد جعفر، علی، پیشین، ص ۷۹_۸۰.
- ب) نجیب حسنی، محمود، پیشین، ص ۹۲۹.
- ۳۳_ محمد جعفر، علی، پیشین، ص ۸۱-۹۰.
- ۳۴_ همان، ص ۱۱۵.